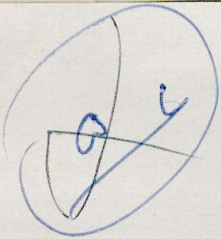


مجله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق الانسان في احسن تقويم وشره بشفيع الروح والعقل القويم وايدى بقايد النفس السليم
والذهن المستقيم ثم رده الى اسفلت فليس عالم الكون في التجسيم وابداه بالحرارة الثورية والرطوبة الاصلية
والارواح والقوى الجسمانية لتصدر عن الاعمال ابتلاء بالامراض والاعلال واعلم طائفة المعالجة ومعرفة
الاسباب وعلامات الفقيه والخبر العلية والعلية بالتدبر في الاغذية والمادوية برعاية الله في الضرورية لرد
القصبة الزاوية وحفظها الى صلوة والصلوة واستلام على سيد انبياء وسند اولياء محمد المصطفى وعلى المرتضى و
اولادها الذين هم اهل الاصطفا وذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً **اما بعد** فيكون بيني
خاطي محمد حسين بن محمد باقر العقيقي العلوي غفر الله ذنوبها وستر عيوبها كما تدعى مديد بود که شتيان اين است
که کتاب در طب جميع و تاليف نمايد که مشتمل باشد بر هر سخن آن و بسبب بعضی و فرود ما بلی علم و عمل و عدم حصول
اسباب و کثرت امراض و اعلال اتفاق بی افتاد اما آنکه قبل ازین در **۱۵۵** الیکنه اردو یکصد و شصت و پنج هجری
نبوی صلی الله علیه و آله بفرمان واجب الامر انما جابست معنی القاب است و ما به پیر و مرشد حقیقی میر محمد
علی الحسینی ادام الله طلال افاضاته و افاداته متوجه جميع و تاليف فرمايد و این کردید بدین نسبت که اول بعض ادویه
مفردة که اصل و عمودند در بعض مرکبات و آن مرکبات بنام آنها مشهورند باطباء طب و خواص و منافع و
مقدار شربت و مضار و اصلاح ذکر نماید و در ذیل هر یک ترکیب موسوم بدان و در ضمن جایگزین مرکباتی که
هر یک موسوم با سخی قصده با سیم و دوازده خاص معین برای آنکه نام و جامع باشد و استیاج کتابی دیگر بقصد اقرار با این
همگی ترتیب حروف تهجی برای سهولت اخذ و تلقی در ضمن کتب و ابواب و فصول و خاتمه و بعد تمام آن بعون
الله تعالی و فضل و احسان الامر انما سبامی نظیر العالم متوجه جميع و تاليف ادویه مفردة کردید ایضا ترتیب
حروف تهجی از الف تا یاء رعایت حرف ثانی نیز در ضمن ابواب و فصول و آن فرمايد و این اسمی مجموع الجواهر و ذی
الترکیب و ادویه مفردة را بخرن لاریه و تدکره اولی انتهى کرد و ایند و نیز برای آن ادویه مفردة و ذی الجاهی ترتیب

خلاصہ لکھو



With the best compliments

OF

Mr. Justice BASHEER AHMED SAYEED (Rtd.)

(Founder)

AND

HAJANI FATHIMA AKHTAR, B.A.,

(Chairman & Correspondent)

S.I.E.T. WOMEN'S COLLEGE

"Sadhr Gardens"

TEYNAMPET, MADRAS-18.

Handwritten notes in brown ink, including a signature and the number 2618.



عمل است با مباشرت عمل زیرا که مقصود از دانستن آن با حصول علم فقط است و با حصول علم متعلق کیفیت
عمل با اجمال بدون قصد مباشرت عمل و با حصول علم متعلق کیفیت عمل با تفصیل با قصد مباشرت عمل بدون
مباشرت بالفعل و با حصول علم متعلق کیفیت عمل با تفصیل با مباشرت آن بالفعل و هر یک انشاء الله تعالی
با تفصیل مذکور خواهد شد فصل در مقام بیان فضیلت و شرف آن بدانکه فضیلت و شرف آنرا
این بس که دارد است العلم علی علم الابدان و علم الادیان و با علم دین که اساس مبادی احوال و عبادت فناء
آخرتیش و غایت کمال دانش و پیش است فرین و مقدم داشته شده زیرا که تحصیل علم دین اشتغال
بوظایف اعمال آن از طاعات و عبادات موقوف بر صحت بدن و سلامت جوهر است و مدارک و قوی است
و صحت و سلامت آنها موقوف بدانشن اسباب و علامات هر یک در عبادت قوایین کلیه و جزئیة عملیه و عملیه
است که اگر از آن انحراف در نزد میل برض نماید باز بر عبادت استقامت صحت راجع نماید و مستقیم دارد و
همین امور عبادت از علم طب است و نیز این را بدانشن علم طب و ترکیب و تشریح بدن خود از بدو خلقت
و تشریف نفی روح و صفات با برت جلالت و تعلی نفس حرارت و در طبع حریریه و ارواح و قوای طبیعی بدیهه بدو
و احاطه و شمول آن جمیع اعضاء و جوارح و مدارک و قوی بر تبه که هیچ ذره از قبضه تدریس و تصرف و علم و احاطه او بر این
نیست و بدون اراده او حرکتی و امری مطلقا صادر نمیشود و ادنی ذاتی و آتی که بدن دارد کرد و خواه از خارج و
خواه از داخل و الفور آگاه میکرد و باعث معرفت نفس خود است که بگوید و دلیل معرفت پروردگار خود است بلکه آنرا که
و فی النفس افلا تبصرون افلا یبصر الانسان الی نفسه و حدیث شریف من عرف نفسه فقد عرف ربه و اعلم ان خلقه اعظم
بر تبه و آنکه روح نفس او بدن و جمیع تعلقات آن مشابه بدن است و از روح و نفس او که بدون علم و اراده و امر او بجا
هیچ حرکتی و امری از نفس صادر نمیکرد و از خود هیچ حرکتی و اراده ندارد و مانند بدن زنده و پاینده همه اوست سبحانه و
نیز علم بلکه روح و نفس او شرف ارواح و نفس بدن او شرف ابدان و ترکیب و اجمع و اتقن و حکم ابدان کل موجودات
و هیچ موجودی از موجودات چه روحانیات چه جسمانیات چه مجردات و چه مادیات و چه لطایف و چه کثافات نیست
که در آن جمیع و ترکیب و تفریق و شکل و هیئت و صورت و بهترین اشکال و حیات و صور و مخلوقات حاصل میگردد
و لهذا بعد از معرفت و تبیین این امور و جستار بر زبان حال و مقال گویند تبارک الله احسن الخالقین و در نهایت کمال
و مصل که معرفت خود است که بنده مخلوق ضعیف خیر فقیر محتاج در جمیع امور و سبحانه است و عدم احاطه و شمول معرفت
بکذات صفات و افعال او و تقدس و تنهایی و بیسایه و عزت او سبحانه بلسان مجرب خلق با معرفت پاک

حروف تحتی انتخاب از قریب این نمود و بعد انعام آن توفیق ملک عظام و عون امداد آنجناب ادام الله فیضه و برکت
 حال که ۱۱۹۵ نیز اردیکه و نمود و پنج است این کجی و تالیفات آن فرمودند و حسب الامر شریف آنجناب
 مد الله طلال عطفه و فیضه و توجه کرد و دید امید از فضل و توفیق او سبحانه و امداد و اعانت آنجناب که صورت
 انعام و نعمت ششام پذیرد و این را مسمی بخلافه الحکمت در کلیات مجمع الجوامع گردانید و مرتب نمود و بر مقدمه
 دو و میقاله و خاتمه و در هر یک فصول چند در آورده و زیر که طب را و و جز است نظری و عملی مقاله الاول
 در بیان جزو نظری ششمل بر چهار رکن رکن اول در بیان امور طبیعی در ضمن هفت فصل در کن و در
 در بیان تشریح اعضا مفرد و مرکب در ضمن دو باب باب الاول در تشریح اعضا مفرد و در ضمن شش فصل
باب در تشریح اعضا مرکب در پنج فصل و رکن سیم در بیان احوال بدن انسان و اسباب
 و علامات دالة بر آنها در ضمن چهار فصل و رکن چهارم در بیان نبض و قفسه و براز و عرق و نفث در پنج
 باب و هر باب ششمل چند فصل مقاله الثاني در بیان جزو عملی ششمل بر دو فن فصل الاول
 در بیان حفظ صحت و در ضمن شش زده فصل فن دوم در بیان معالجات لعنوان کلی و دستور العمل در
 ضمن سه فصل مقاله الثالث در بیان تعریف علم طب و غایت و موضوع و شرف و پان و صایاد
 مضایح در آداب طب و در ضمن چهار فصل فصل الاول در بیان تعریف غایت و موضوع
 علم طب بدانکه طب در لغت بمعنی سحر و عادت و صدق در علوم و صنایع است و اصطلاح اطباء عبارت
 از علمی است که دانسته میشود بآن احوال بدن انسان از حیثیت صحت و مرض و صحت عبارت از آنکه
 یا صحتی است که بان صادر گردد از انسان افعال صحیح و سلیم و یا میثقی است که بان انسان در مزاج
 و ترکیب بدن خود بحیثیتی باشد که صادر گردد از او کلا افعال صحیح و سلیم و مرض بخلات است و غایت
 و غرض آن حفظ صحت حاصل و استراحت و اذیت و ابله است و موضوع آن بدن انسان است زیرا که بحث
 طبیب همگی مقصور بر عوارض و آتیه است از حیثیت صحت و مرض و حالت متوسطه میان آن هر دو بنا
 بر رای جالیونیس و بر علم اسباب آن و بر معرفت دلائل و علامات آنها و بر طریقه حفظ و معالجه آنهاست
 بدانکه طب اولاً لا ینقسم میکرد بر دو جزو یکی علمی که از انظری گویند و دیگری عملی یعنی علم عملی و هر یک از آن هر دو
 منقسم به دو قسم اند یکی علمی یعنی علم جزو عملی فقط و دیگری علم عملی بطریق بدون قصد مباشرت عمل و قسم اول
 علمی عملی که حیثیت و طریقه مباشرت عمل است بالتفصیل بدون قصد مباشرت عمل و قسم دوم علمی عملی که



کتاب طب
 در علم طب
 در علم طب

در علم طب
 در علم طب

